

روند منطقه‌گرایی در عصر جهانی شدن^۱

روزا آذرکمند^۲

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

عبدالرضا فرجی راد

استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

کاظم جاجرمی

استادیار جغرافیای شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۰۳/۲۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۱/۱۸

چکیده

جهانی شدن و تشدید آن پس از جنگ سرد با گسترش اقتصاد و بازار آزاد، وابستگی متقابل کشورها و مناطق مختلف جهان، نقش تعیین کننده و انکارناپذیری در تکوین و تقویت فرایند منطقه‌گرایی ایفا کرده است. منطقه‌گرایی نوین طی دو دهه گذشته در نقاط مختلف جهان به روندی رو به رشد تبدیل شده، و در کنار فرایند جهانی شدن به یکی از دو جریان غالب اقتصاد سیاسی تبدیل شده است. منطقه‌گرایی به عنوان تجلی و نمود همکاری بین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم در اروپا آغاز شد؛ ولی به تدریج این فرایند در حوزه‌های جغرافیایی دیگر مانند آمریکای لاتین و آسیای جنوب شرقی گسترش یافت. با توجه به اهمیت فرایند منطقه‌گرایی در عصر جهانی شدن، این پژوهش ضمن بررسی برخی رویکردهای نظری دو مفهوم جهانی شدن و منطقه‌گرایی، در صدد برآمده است تا ارتباط این دو فرایند را مشخص نموده، دلایل و انگیزه‌های شکل‌گیری منطقه‌گرایی در عصر حاضر را مورد تحلیل قرار دهد و حوزه‌های مختلف منطقه‌گرایی را بررسی نماید. نتایج این تحقیق که با روش توصیفی - تحلیلی تدوین شده است، می‌تواند مشوقی برای شکل‌گیری منطقه‌گرایی در عصر جهانی شدن باشد.

واژگان کلیدی: جهانی شدن، منطقه‌گرایی، سازمان‌های منطقه‌ای، توسعه.

۱- این مقاله برگرفته از رساله دکتری است که به راهنمایی دکتر عبدالرضا فرجی راد و کاظم جاجرمی تهیه شده است.

۲- روزا آذرکمند (نویسنده مسئول) rozaazarkamand@yahoo.com

مقدمه

جهانی شدن پدیده‌ای است که از آغاز قرن بیست و یکم موجودیت حکومت‌های ملی را تهدید می‌کند و کشورهای که آمادگی‌های لازم را نداشته باشند؛ با چالش‌های گوناگونی روبرو می‌شوند. فرایند جهانی شدن می‌تواند به نوبه خود بی‌ثباتی و مشکلاتی را پدید آورد که نتیجه‌ی بی‌واسطه‌ی آن اختلال در فرایند توسعه (خصوصاً در کشورهای در حال توسعه) است. در این راستا الزامات مهم سیاست خارجی کشورها باید فراهم آوردن زمینه برای پیشبرد همگرایی منطقه‌ای باشد؛ از این رو دولت‌ها با شکل‌دهی به سازوکارهای مختلف همکاری، تلاش می‌کنند تا با به اشتراک گذاردن توان خود با یکدیگر، این معضل را حل نمایند. تقویت فرآیند همگرایی باعث می‌شود تا نگاه کشورها عمدتاً معطوف به اشتراکات در منافع خود با سایرین گردد و هر یک دیگری را فرصتی برای خود بدانند (امام‌زاده فر، ۱۳۷۹، ص ۱۲). یکی از نظریه‌های رایج در روابط بین‌الملل که از قدمت چندانی نیز برخوردار نیست، منطقه‌گرایی (Regionalism) است. این نظریه که عمدتاً از دهه ۱۹۵۰ طرح و مورد توجه قرار گرفت، سعی داشت با بهره‌گیری از مصادیق عینی و همچنین ریشه‌یابی زمینه‌های بروز جنگ‌های جهانی، مدل‌های جدیدی از همکاری بین کشورها در سطح منطقه‌ای ارائه نماید. مبنای اصلی این نظریه روند همکاری اقتصادی و فنی اروپای غربی بود که تحت تاثیر فضای حاکم بر جنگ سرد مسائل بین‌المللی را تبیین و راهکارهایی ارائه می‌نماید (سلطانی، ۱۳۸۰، ص ۶۸). پایان جنگ سرد و نظام دو قطبی فرصت‌ها و امکانات جدیدی را برای تثبیت، تقویت و توسعه منطقه‌گرایی فراهم ساخت. نقش جهانی شدن در جهان پس از جنگ سرد در تکوین فرایند منطقه‌گرایی بسیار پررنگ است. با رشد سریع جهانی شدن در هزاره سوم، دولت‌ها برای تقویت قدرت چانه زنی سیاسی، رقابت پذیری اقتصادهای ملی خود و برای در امان نگهداشتن خود از چالش‌هایی که جهانی شدن برای آن‌ها در پی دارد، گروه بندی‌های منطقه‌ای را در دستور کار خود قرار دادند. از این رو کشورهای جهان تلاش می‌کنند با تشکیل سازمان‌های اقتصادی سیاسی منطقه‌ای موجب رونق اقتصادی و تامین امنیت خود در یک منطقه جغرافیایی شوند. با توجه به اهمیت این موضوع ضرورت تحقیق در این زمینه ایجاد می‌شود.

روش تحقیق

این تحقیق بر اساس هدف کاربردی و از لحاظ ماهیت و روش توصیفی - تحلیلی است. روش تحلیل در این مقاله اسنادی می‌باشد.

اهداف تحقیق

هدف کلی در این تحقیق تشریح روند منطقه‌گرایی در عصر جهانی شدن می‌باشد؛ برای نایل آمدن به این مقصود لازم است موارد زیر در قالب اهداف جزئی ارائه گردند:

- بررسی رویکردهای نظری به دو مفهوم جهانی شدن و منطقه‌گرایی؛
- بررسی ارتباط دو فرایند جهانی شدن و منطقه‌گرایی؛
- دلایل و انگیزه‌های شکل‌گیری منطقه‌گرایی در عصر حاضر؛

• بررسی حوزه‌های مختلف منطقه‌گرایی.

ابزار گردآوری اطلاعات

اطلاعات این تحقیق از طریق کتابخانه‌ای و فیش‌برداری از این منابع و استفاده از منابع اینترنتی شامل اسناد و مقالات موجود در آرشیو مجلات معتبر و مصاحبه با اساتید متخصص در این زمینه گردآوری شده است.

رویکردهای نظری به مفاهیم جهانی‌شدن و منطقه‌گرایی

در این قسمت به صورت اجمالی، برخی نظریات منتخب در این تحقیق در خصوص جهانی‌شدن و همگرایی بررسی می‌شود.

جهانی‌شدن: صرف نظر از تفاوت‌های لفظی و گاه ماهوی در تعریف جهانی‌شدن، از میان تعاریف گوناگون، می‌توان این نکته را به عنوان مخرج مشترک کلیه تعاریف‌ها برگزید که جهانی‌شدن، چه به عنوان یک پروسه یا پروژه، بیانگر وضعیتی است که در درون آن، ارتباطات متقابل، وابستگی متقابل و تأثیرگذاری متقابل به شکل فزاینده‌ای رشد یافته است، به گونه‌ای که شعاع اثرگذاری رفتار واحدهای سیاسی از مرزهای ملی عبور نموده، دورترین واحدها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. جهانی‌شدن "گسترش و تکامل تجدد از سطح ملی به بین‌المللی با استفاده از ابزارها و امکانات ارتباطی است که بدون توجه به تفاوت‌های قومی و بومی درصدد است تا مناسبات همسان و قواعد مشترکی را برای ادامه روند توسعه و نوسازی کشورها در ابعاد سیاسی و فرهنگی و اقتصادی نهادینه کند". رویکرد مدرنیته فرایند جهانی‌شدن را نه یک پدیده‌ی نوظهور بلکه ادامه روند مدرانیزاسیون جوامع و جهان می‌دانند. بارزترین متفکر در این رویکرد «آنتونی گیدنز» می‌باشد. او معتقد است، جهانی‌شدن را می‌توان به صورت تشدید روابط اجتماعی در سرتاسر جهان تعریف کرد که در طی این فرایند جوامع دور از هم به گونه‌ای به یکدیگر وابسته می‌شوند که حوادث محلی از رویدادهایی تأثیر می‌پذیرند که در مناطق دوردست شکل می‌گیرد و در مقابل بر آن‌ها تأثیر می‌گذارند. با بررسی نظریه‌های مختلف در رابطه با جهانی‌شدن نمی‌توان نظریه‌ای را یافت که به تنهایی کلیه زوایای جهانی‌شدن را مورد توجه قرار داده باشد.

جهانی‌شدن از نظر ایان کلارک (معتقد به فرا رفتارگرایی) ناظر بر حرکت‌هایی در جهت شدت یافتن و وسعت پیدا کردن تعاملات بین‌المللی است. او شاخص‌های شدت یافتن تعاملات بین‌المللی را گرایش‌هایی چون همگرایی، وابستگی متقابل، چندجانبه‌گرایی، درهای باز و نفوذ متقابل می‌داند و وسعت پیدا کردن تعاملات بین‌المللی را به معنای گسترش حیطه‌ی جغرافیایی گرایش‌های فوق معرفی می‌کند. نظریه فرا رفتارگرایی که تقریباً یک راهبرد ترکیبی و چندعلیتی را مطرح می‌سازد با واقعیات موجود جهانی‌شدن سازگاری بیشتری دارد (مالکوم، ۱۳۷۹، ص ۸۹).

منطقه‌گرایی: منطقه‌گرایی فرایندی است که از طریق ایجاد منطقه تجارت آزاد یا اتحادیه گمرکی بین دولت‌ها و به منظور آزادسازی یا تسهیل تجارت در سطح منطقه آغاز می‌شود. در واقع توسعه منطقه‌گرایی یکی از اشکال کلیدی آزادسازی تجاری است که در مراحل پیشرفته از همکاری تجاری به همکاری‌های اقتصادی و پولی، و سپس به

هم‌گرایی سیاسی و امنیتی منتج می‌شود. منطقه‌گرایی به عنوان یک مکانیزم بازدارنده، منجر به ارائه راه حل‌های صلح آمیز برای بحران‌های موجود یا بحران‌های احتمالی بین اعضا شده و موجب تحکیم صلح می‌شود. در حقیقت این نوع منطقه‌گرایی فرصتی را برای مذاکرات سازنده متقابل بین اعضا فراهم می‌سازد. در دهه‌های گذشته توجه و سطح تحلیل عمدتاً به سطح ملی یا بین‌المللی معطوف بود. اکنون در اواخر هزاره دوم و آغاز هزاره جدید، مطالعات منطقه‌ای کانون توجه و اهمیت قرار گرفته است. نمونه این اتحادیه‌ها و نهادهای منطقه‌ای عبارتند از: پتا، اکواز، آریکام، اکو، جی. سی سی، مرکوسور، نفتا، آسه آن، اپک (موسوی، ۱۳۸۸، ص ۳۵).

نظریه‌های منطقه‌گرایی بر اساس رهیافت‌های نظری و پارادایم‌های رایج در روابط بین‌الملل به پنج دسته تقسیم می‌شوند. این رویکردها عبارتند از: لیبرالیسم - نولیبرالیسم، واقع‌گرایی - نواقع‌گرایی، مارکسیسم - نومارکسیسم، سازه‌انگاری و بازاندیش‌گرایی. هر یک از این نظریه‌ها بر پایه اصول و مفروضه‌های پارادایمی خود در روابط بین‌الملل به تبیین و توضیح فرآیند منطقه‌گرایی می‌پردازند. نظریه‌های کارکردگرایی و نوکارکردگرایی در چارچوب لیبرالیسم، نظریه‌های رژیم‌ها و نهادگرایی نولیبرال در قالب نولیبرالیسم، نظریه‌های ثبات هژمونیک و موازنه تهدید بر مبنای نواقع‌گرایی، نظریه‌های نظام جهانی و جهان‌گرایی در پارادایم نومارکسیسم، سازه‌انگاری متعارف در سنت سازه‌انگاری و نظریه انتقادی و پست مدرن در قالب بازاندیشی، حاصل تغییر و تحولات نظری و پارادایمی در روابط بین‌الملل بوده است.

تحولات نظری در منطقه‌گرایی، باعث پردازش نظریه‌های گلچینی شده است. چون بسیاری بر این باورند که با وجود اصلاحات انجام گرفته در نظریه‌های کلاسیک منطقه‌گرایی از یک سو و ارائه نظریه‌های نوین از سوی دیگر، هیچ یک از این نظریه‌ها توانایی تبیین این فرآیند چندبعدی را ندارند. از این رو، تلاش‌های نظری برای پردازش نظریه‌های تلفیقی صورت پذیرفته است. این نظریه‌ها، گزاره‌ها و مفروضه‌های سازگاری را در سطح‌های مختلفی در هم می‌آمیزند تا منطقه‌گرایی نوین چندوجهی را توضیح دهند؛ اصول و قضایایی که از نظر هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی قابل جمع هستند و ارتباط و انسجام منطقی درونی دارند. نظریه‌های گلچینی در پی ارائه مدل‌های مرکب و پیچیده‌ای از عناصر نظریه‌های مختلف هستند که شاید کارآمدی و مطلوبیت پارادایم غالب را نداشته باشند، ولی قدرت تبیین برتر و بیشتری از نظریه‌های موجود را دارند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸، ص ۵۶).

ارتباط میان جهانی شدن و منطقه‌گرایی

رابطه میان منطقه‌گرایی و جهانی شدن مورد چالش بسیاری از نظریه‌پردازان روابط بین‌المللی قرار گرفته است. بعضی معتقدند که منطقه‌گرایی آلترناتیو یا حتی آنتی تزی در برابر جهانی شدن است، چرا که تمایلات و گرایش‌های جهانی کشورها و بازیگران به مناطق خاص محدود می‌شوند و روند جهانی شدن را کند می‌کند، ضمن اینکه منطقه‌گرایی لازمه حمایت‌گرایی در درون مناطق علیه مناطق دیگر است. در مقابل بعضی دیگر از نظریه‌پردازان معتقدند که منطقه‌گرایی و جهانی شدن در یک راستا عمل می‌کنند و در واقع مکمل یکدیگرند (کامران، ۱۳۸۱، ص ۱۰۲). منطقه‌گرایی درحقیقت به این دلیل که ترکیب تاریخی و ظهور ساختارهایی می‌باشد که به طور معمول نهادها و

مقررات و الگوهای جدیدی در تعاملات اجتماعی میان بازیگران غیردولتی ایجاد می‌کند، به عنوان یک مجموعه کلی با جهانی شدن برخورد پیدا می‌کند. با این حال از آنجا که اصول حاکم بر نظام بین‌المللی مبتنی بر لیبرالیسم اقتصادی و سیاسی است، هر دو پدیده معمولاً در این رهیافت معنی و تعریف می‌شود و در یک مسیر حرکت می‌کنند. کشورها به علت اینکه آمادگی لازم را برای ادغام در اقتصادی جهانی ندارند از منطقه‌گرایی و تشکیل اتحادیه‌های اقتصادی منطقه‌ای برای ورود به سیستم جهانی بهره می‌گیرند. بنابراین می‌توان گفت هر چند منطقه‌گرایی، جهانی شدن را به تاخیر می‌اندازد، اما در فراهم کردن زمینه‌های ایجاد آن موثر واقع می‌شود. همین که ماهیت سیاست‌گذاری‌های بین‌المللی از چارچوب تنگ و جزمی دولت‌ها خارج می‌شود و در درون مناطق جای می‌گیرد، مقدمات جهانی شدن فراهم شده است زیرا مهمترین مانع جهانی شدن، دولت‌ها هستند (وثوقی، ۱۳۸۹، ص ۱۲).

ضرورت منطقه‌گرایی در عصر جهانی شدن

در دنیای جهانی شده امروز دولت‌ها و بازیگران مختلف حوزه روابط بین‌الملل، برای غلبه بر معضلات مختلف و پیچیده اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی، نیازمند ایجاد فرصتی برای مشارکت جمعی در روند مقابله و مواجهه با این نوع معضلات بوده و برای موفقیت در رسیدن به اهداف فوق، تعامل و همکاری نزدیک و گسترده بین آن‌ها امری اجتناب‌ناپذیر می‌باشد و توفیق بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای در رسیدن به این اهداف به درک تحولات جاری بین‌المللی و چشم‌اندازهای اتی‌ان وابسته است. بدیهی است که اصرار بر رویکردهای غیرمنطقی و غیرواقع بینانه و مبتنی بر موازین غیرعادلانه و غیرمنصفانه تامین‌کننده چنین شرایطی نخواهد بود و تنها راهکار موثر، توجه به ریشه‌های مشکلات جهان امروز و بسط همگرایی و تلاش دسته جمعی برای یافتن سازوکارهایی جهت غلبه بر این مشکلات است. اگر تمایل به همکاری و انگیزه برای اتصال حلقه‌های وحدت وجود نداشته باشد، هیچ سازمان و تشکیلات فراملی قادر نخواهد بود کشورهای مستقل و حاکم را دعوت به وحدت کند (کاظمی، ۱۳۷۰، ص ۲۲).

از سوی دیگر لازمه ثبات و توسعه، مسلط ساختن الگوهای همکاری بر رویکردهای سیاست خارجی است. یکی از مهمترین جلوه‌های رفتار همکاری جویانه، حضور و مشارکت فعال در سازمان‌ها و نهادهای سیاسی، اقتصادی و علمی منطقه‌ای و بین‌المللی است. این نهادها امکانات و فرصت‌های فراوانی را در زمینه‌های مختلف در اختیار کشورها (مخصوصاً کشورهای در حال توسعه) می‌گذارند، امکانات و فرصت‌هایی که به مثابه کاتالیزور توسعه در این کشورها محسوب می‌گردند نقش سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی در کمک به روند توسعه کشورهای آسیایی در دو دهه اخیر شاهد خوبی بر این مدعاست. این نهادها در زمینه‌های آموزشی، بهداشتی و محیط زیست به عنوان ارکان اساسی توسعه‌یافتگی نیز از قابلیت‌های مهمی برخوردارند. با مشارکت و حضور فعال در این نهادها، می‌توان از اینگونه قابلیت‌های آنان نیز در مسیر توسعه کشور بهره گرفت (امام‌زاده فر، ۱۳۷۹، ص ۸۷).

روند منطقه‌گرایی در جهان

تحولات سریع دهه‌های اخیر در صحنه تجارت بین‌الملل بخصوص نتایج موفقیت آمیز مذاکرات تجاری در اروگوئه و تشکیل سازمان جهانی تجارت به همراه تسهیل ارتباطات بین‌المللی باعث ایجاد پدیده‌ای شده که از آن به عنوان

پدیده جهانی شدن بازارها نام برده می‌شود. به موازات گسترده شدن این پدیده و تلاش‌های وسیعی که طی چند دهه اخیر برای تشکیل سازمان‌های جهانی و حرکت در چارچوب آن صورت گرفته، فعالیت‌هایی نیز برای همکاری‌های منطقه‌ای و تشکیل سازمان‌ها و پیمان‌های منطقه‌ای شکل گرفته است، زیرا اغلب کشورها معتقدند که آمادگی کشورشان برای روبه رو شدن با پدیده جهانی شدن بازارها تنها از طریق پیوستن به این گونه تشکلهای ممکن بوده و نه تنها آن‌ها را از زیان‌های احتمالی مصون می‌دارد، بلکه باعث می‌شود که بتوانند از این روند منافع قابل توجهی برای رشد و توسعه اقتصادی خود به دست آورند.

پس از جنگ جهانی دوم تجارت بین الملل چالش‌ها و تحولات چشمگیری را پشت سر گذاشته است. سربر آوردن آمریکا به عنوان یک قدرت اقتصادی، دسترسی این کشور را به بازار سایر کشورها ضروری ساخته و از طرف دیگر شرایط اروپای بعد از جنگ نظام جدیدی را طلب می‌کرد. از این رو تماس‌ها و رفت و آمدهای زیادی به منظور بازسازی تجارت، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در این زمینه بین آمریکا و اروپا (انگلستان) صورت گرفت که این گفتگوهای سیاسی - اقتصادی به تاسیس بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه (بانک جهانی) و صندوق بین‌المللی پول و نیز امضای موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) در سال ۱۹۴۷ انجامید. مذاکرات اداری گات، تلاش عملی دولت‌ها برای نوعی آزاد سازی تجاری محسوب می‌شود و همزمان با این تلاش‌ها، در اروپا کوشش برای بازسازی و وحدت اروپا ادامه داشت. یکی از نتایج این وحدت به وجود آمدن کمیسیون اقتصادی اروپا در سال ۱۹۴۷ بود. این کمیسیون در حقیقت یکی از اولین تجربه‌ها در ایجاد سازمان‌های منطقه‌ای است. از آن پس ترتیبات تجاری، مناطق آزاد و اتحادیه‌های گمرکی زیادی در سراسر جهان شکل گرفت که دارای هدف‌های اقتصادی متعدد و بعضاً متفاوتی بودند. بارزترین صفت مشترک این تشکلهای این بود که غالباً بین همسایگان و یا کشورهای واقع در یک منطقه جغرافیایی ایجاد شده بودند. طی سال‌های اخیر نیز اکثریت قریب به اتفاق این همکاری‌ها به کشورهای در حال توسعه اختصاص یافته است. شاهد مدعی این که طی سال‌های ۱۹۴۷-۱۹۹۴ حدود ۹۸ موافقتنامه طبق ماده ۲۴ گات از سوی کشورهای در حال توسعه به این سازمان اعلام گردیده است و بیشترین تعداد موافقت‌نامه‌های اعلام شده در نیمه اول دهه ۱۹۹۰ یعنی طی سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۹۴ قرار داشته است.

در اروپا توسعه ترتیبات منطقه‌ای سریع و فزاینده بوده است. پایه یکپارچگی و توافقات منطقه‌ای را در اروپا می‌توان در سال ۱۹۵۷ و طبق توافق نامه و قرارداد رم جستجو کرد. این توافق موجب گردید که کشورهای اروپای غربی یکی از بزرگترین بازارهای داخلی کالاها و خدمات را در اقتصاد جهان ایجاد نموده و مبنای الحاق مداوم اقتصاد و سیاست خود را فراهم سازند.

در آمریکای شمالی اولین موافقتنامه منطقه‌ای در سال ۱۹۶۵ به امضا رسید. پس از آن در سال ۱۹۸۸ موافقتنامه تجارت آزاد^۱ بین این دو کشور به وجود آمد. در همین خلال مکزیک نیز برای ایجاد موافقتنامه تجارت آزاد با آمریکا وارد مذاکره شد و کانادا نیز به آنان پیوست و این مذاکرات و نتایج آن منجر به ایجاد موافقتنامه تجارت آزاد

^۱CUFTA

آمریکای شمالی گردید که از سال ۱۹۹۴ به اجرا درآمد. در آمریکای لاتین نیز این گونه توافقات افزایش یافته و سریع بوده است. به علت محدود بودن بازارهای داخلی این کشورها و همچنین عدم امکان منتفع گردیدن از صرفه جویی‌های به مقیاس کارایی اقتصادی، صنایع این کشورها همواره در راه توسعه خود با چالش‌های جدی مواجه بودند. به همین جهت بازارهای منطقه‌ای به عنوان ابزاری برای رشد و شکوفایی صنایع و همچنین آمادگی بنگاه‌ها برای رقابت جهانی متصور گردید. ضمن اینکه با تشکیل جامعه اروپا این کشورها نیز باید تدابیری می‌اندیشیدند که قوت چانه زنی آن‌ها را در مقابل کشورهای اروپایی بالا برد. در خلال سال‌های دهه ۱۹۸۰ بسیاری از کشورها علاقه خود را برای توسعه همکاری‌های منطقه‌ای ابراز داشتند و سیاست‌های خود را از درون‌گرایی به برون‌گرایی تغییر دادند. برای مثال کلمبیا، مکزیک و ونزوئلا در سال ۱۹۹۴ موافقتنامه تجارت آزادی را به امضا رساندند که به گروه سه معروف گردید. بولیوی و مکزیک در همان سال بر سر موافقتنامه منطقه تجارت آزادی به توافق رسیدند. در سال ۱۹۹۱ نیز پیمان بازار مشترک جنوبی را به امضا رسید. بجز موارد فوق پیمان‌های دیگری نیز در منطقه کشورهای آمریکای لاتین مشاهده می‌شود. موافقتنامه آندآن از جمله آن‌هاست. این موافقتنامه با اصلاحاتی در سال ۱۹۹۵ اجرا گردید.

در منطقه آسیا یکی از مهمترین موافقتنامه‌های منطقه‌ای، آسه آن می‌باشد که در سال ۱۹۶۷ به منظور افزایش صلح، ثبات و رشد اقتصادی منعقد گردید. در سال ۱۹۹۳ موافقتنامه ترجیحات تجاری دیگری به نام سارک امضا گردید. در سال ۱۹۹۴ همچنین هدف رسیدن به تجارت و سرمایه‌گذاری آزاد بین کشورهای آسیا و پاسیفیک موسوم به اپک^۱ مورد توافق قرار گرفت. اما باید در نظر داشت که بیشتر کشورهای آسیایی در مورد شتاب بخشیدن به همکاری‌های منطقه‌ای محتاط هستند (Kikuchi, 1997, p57).

در آفریقا علیرغم اینکه تغییرات اساسی در بسیاری از ترتیبات تجاری منطقه‌ای موجود ملاحظه نمی‌شود، با این حال بعضی گرایش‌ها به سمت یکپارچگی و منطقه‌گرایی وسعیت‌ر قابل مشاهده است. در سال ۱۹۵۹ موافقتنامه مربوط به ایجاد اتحادیه گمرکی کشورهای غرب آفریقا^۲ را امضا شد. اتحادیه گمرکی کشورهای غرب آفریقا در حقیقت هیچ‌گاه به درستی اجرا نگردید و در سال ۱۹۶۶ جای خود را به CEAO داد. بدین جهت در سال ۱۹۷۵ کشورهای عضو CEAO و همچنین برخی دیگر از کشورها موافقتنامه جامعه اقتصادی کشورهای آفریقای غربی را منعقد کردند که به ECOWAS^۳ معروف گردید. در آفریقای شرقی نیز موافقتنامه‌های دیگری به وجود آمد که از آن جمله می‌توان جامعه اقتصادی کشورهای آفریقای شرقی^۴ را نام برد. منطقه تجارت ترجیحی نیز برای کشورهای شرق و جنوب آفریقا در سال ۱۹۸۱ تاسیس شد.

^۱APEC

^۲CUWAS

^۳ ECOWAS: Economic Community of West African States

^۴EAEC: East Economic Community

در خاورمیانه نیز مهمترین همکاری‌های منطقه‌ای شورای همکاری خلیج فارس^۱ و سازمان همکاری‌های اقتصادی^۲ می‌باشد. این شورا دارای اهدافی برای یکسان سازی حقوق گمرکی و سیاست‌های مالی و اقتصادی است و در حال مذاکره با اتحادیه اروپا بر سر تشکیل موافقت‌نامه‌های همکاری اقتصادی می‌باشد. سه کشور ایران، ترکیه و پاکستان نیز با توجه به لزوم انجام همکاری‌های منطقه‌ای در سال ۱۹۶۴ اقدام به تاسیس سازمان همکاری اقتصادی منطقه‌ای (اگو) کردند. به نظر می‌رسد که درصد موفقیت همکاری‌های تجاری در این موافقتنامه تا حد زیادی کمتر از سایر همکاری‌های منطقه‌ای موجود در جهان است.

موارد ذکر شده تنها گوشه‌ای از ظهور پدیده منطقه‌گرایی در جهان را طی دهه‌های اخیر نشان می‌دهد و انتظار می‌رود که این روند در سال‌های آینده از شدت بیشتری برخوردار گردد.

جایگاه سازمان‌های منطقه‌ای در منشور ملل متحد

هنگام تدوین منشور ملل متحد نیروهای طرفدار منطقه‌گرایی به حد کافی از قوت و تعدد برخوردار بودند تا جایی را برای ترتیبات منطقه‌ای در منشور درخواست نماید. معهدا در فصل هشتم نقشی برای ترتیبات و سازمان‌های منطقه‌ای جهت پرداختن به مسائل مربوط به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی که برای اقدام منطقه‌ای مناسب هستند در نظر گرفته شده است.

ایده اساسی فصل هشتم عبارت بود از این که اولاً کشورهای عضو هر گونه تلاشی را برای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات محلی از طریق این ترتیبات یا سازمان‌های منطقه‌ای قبل از ارجاع آن‌ها به شورای امنیت انجام دهند و ثانیاً شورای امنیت توسعه حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات محلی را از طریق این ترتیبات یا سازمان‌های منطقه‌ای تشویق نماید و در جای مناسب از این ترتیبات یا سازمان‌های منطقه‌ای برای اقدام قهرآمیز تحت اختیار خود استفاده کند. جنگ سرد از برقراری رابطه نزدیک بین شورای امنیت و ترتیبات موجود منطقه‌ای جلوگیری به عمل آورد. وتوهای متعدد، شورای امنیت را فلج کرده بود و از ترتیبات منطقه‌ای به عنوان پناهگاهی برای دور نگه داشتن اختلافات از سازمان ملل استفاده می‌گردید. امریکا و شوروی به عنوان دو رقیب عمده جنگ سرد به شورای امنیت اجازه نمی‌دادند که در درگیرهای منطقه‌ای که به هریک از آن‌ها مربوط می‌گشت دخالت نماید. هریک از ابرقدرت‌ها از سازمان‌های منطقه‌ای به عنوان وسیله‌ای برای اعمال تسلط بریک منطقه و نه برای امنیت دسته جمعی و حل و فصل درگیری‌ها استفاده می‌نمود.

منشور به طور آگاهانه تعریف دقیقی از ترتیبات و موسسات منطقه‌ای ارائه نمی‌دهد و بدین سان برای گروهی از کشورها در پرداختن به مسئله‌ای که برای اقدام منطقه‌ای مناسب است، انعطاف لازم را امکان پذیر می‌سازد و همچنین می‌تواند به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی کمک کند. این گونه مشارکت‌ها یا چارچوب‌ها می‌توانند سازمان‌هایی را که براساس قرارداد بوجود آمده‌اند اعم از این که قبل یا بعد از تشکیل سازمان ملل، تاسیس شده باشند، سازمان‌های منطقه‌ای برای دفاع و امنیت متقابل، و سازمان‌های مربوط به توسعه عمومی منطقه‌ای یا همکاری

^۱GCC
^۲ECO

در مورد یک موضوع یا عملکرد خاص اقتصادی و گروه‌هایی که برای مقابله با مسائل سیاسی، اقتصادی و یا اجتماعی خاص امروز ایجاد شده‌اند را شامل شوند (میرمحمد، ۱۳۷۶).



شکل شماره ۱- نقشه کشورهای عضو اتحادیه اروپا، یک نمونه موفق منطقه‌گرایی
منبع: europa.eu/index

دلایل و انگیزه‌های منطقه‌گرایی

در مطالعه هدف‌ها و روند تکامل ترتیبات و شکل‌های منطقه‌ای به موضوع‌های متنوع و دلایل متفاوتی در برپایی و شکل گرفتن این گروه بندی‌ها برمی‌خوریم. موضوع در خور توجه، تقویت بلوک بندی‌های اقتصادی در اثر ضعیف شدن قطب بندی‌های سیاسی است و بدین ترتیب سازمان‌های منطقه‌ای تلاش دارند با ایجاد امکانات سخت افزاری و نرم افزاری از قبیل مقررات تجاری، آزادسازی، تسهیل ترانزیت و ترتیبات ترجیحی منطقه خود را مورد حمایت قرار دهند. گرچه شناسایی تنها یک عامل برای گرایش به سوی منطقه‌گرایی امری غیرممکن است، با این حال می‌توان تعدادی از آن‌ها را که عمدتاً باعث گسترش این نوع همکاری‌ها بخصوص در طی دهه ۱۹۹۰ بوده‌اند، عنوان نمود. این عوامل که در زیر به طور خلاصه به آن‌ها اشاره می‌گردد، عبارتند از:

۱- اهداف اقتصادی: آینده روشن برای رشد اقتصادی بدون شک یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری ترتیبات تجاری منطقه‌ای چه در میان کشورهای پیشرفته و چه در میان کشورهای در حال توسعه بوده است. آینده روشن ناشی از عواملی نظیر استفاده از صرفه‌جویی‌های به مقیاس، تخصص‌گرایی در سطح منطقه و گسترش بازارهای تولید در منطقه می‌باشد. برای مثال استفاده از صرفه‌جویی‌های به مقیاس در منطقه یکی از دلایل عمده ایجاد طرح بازار داخلی در اتحادیه اروپا بوده است. در آفریقا نیز علت گرایش به منطقه‌گرایی وجود اقتصادهای منفرد، کوچک و جدا از هم بود و منطقه‌گرایی راه‌حل مناسبی برای استفاده مطلوب از سرمایه‌های فیزیکی و انسانی موجود در میان کشورها پنداشته می‌شود.

۲- اهداف غیر اقتصادی: تلاش برای ایجاد منطقه‌های اقتصادی را می‌توان به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف غیراقتصادی نیز تصور نمود. اهدافی نظیر افزایش قدرت سیاسی منطقه، کنترل جریان مهاجرت و توسعه امنیت ملی از آن جمله‌اند. در حقیقت ایجاد اتحادیه اروپا و آسه آن منشا امنیت منطقه‌ای داشته و اهداف دیگر آن‌ها ثبات سیاسی و اقتصادی و کنترل جریان‌های مهاجرت بوده است؛ همچنین پیدایش نفتا در اصل به خاطر توازن سیاسی در سطح منطقه و کنترل جریان‌های مهاجرت بوده است (صباغ کرمانی، ۱۳۸۰، ص ۵۵).

۳- دلایل مربوط به دور اروگوئه: تحت عنوان ((ترتیبات تجاری منطقه‌ای)) در گات، به گروه‌بندی‌های منطقه‌ای اجازه داده شده که از رعایت اصل کلی رفتار ((کامله الوداد)) مستثنی باشند. این خود مشوق حرکت به سوی منطقه‌گرایی بوده و در این راستا دور اروگوئه نیز نقش مهمی را در ایجاد انگیزه برای الحاق به موافقتنامه‌های تجاری منطقه‌ای داشته است. منطقه‌گرایی به لحاظ حرکت کند آن در برخی از موارد به عنوان جانشینی برای آزادسازی تجارت چند جانبه تحت مقررات دور اروگوئه و در برخی دیگر از موارد به عنوان وسیله‌ای برای تقویت مذاکره در سیستم تجاری بین‌المللی به حساب می‌آید. یک یا هر دو عامل از عوامل یاد شده در تشکیل ترتیبات تجاری در آمریکای شمالی و آسیای جنوب شرقی و آمریکای لاتین دخیل بوده است (صباغ کرمانی، ۱۳۸۰، ص ۵۶).

۴- منطقه‌گرایی به عنوان پناهگاهی امن: ترتیبات منطقه‌ای در حال حاضر به عنوان ابزاری برای کمک به ایجاد محیط تجاری قابل پیش بینی و با ثبات تر و عاملی برای جلوگیری از محدودیت‌های دسترسی به بازار کشورها در آینده به شمار می‌آید. معمولاً کشورهای کوچکتر زمانی که احساس می‌کنند دسترسی به بازار در آینده برایشان نامطمئن است، اقدام به ایجاد چنین ترتیباتی با کشورهای بزرگتر می‌نمایند.

۵- تمرکز بر اصلاحات سیاست‌های داخلی کشورها: ترتیبات تجاری منطقه‌ای عاملی است که باعث افزایش تداوم اصلاحات سیاست‌گذاری داخلی من جمله آزادسازی‌های تجاری یک جانبه می‌شود و محیط مساعدی برای ثبات اقتصاد کلان به ویژه در کشورهای در حال توسعه و در حال انتقال به وجود می‌آورد. بر این اساس این گونه ترتیبات ممکن است به عنوان مکملی برای سوق دادن سیاست‌های داخلی به طرف خصوصی سازی و اصلاحات سازگار با بازار باشد.

۶- اثر دومینو: همین که ترتیبات تجاری منطقه‌ای شکل می‌گیرد و یا ترتیبات موجود تعمیق و گسترش می‌یابند، هزینه فرصتی خارج ماندن از چنین ترتیباتی بالاتر می‌رود. اگر در این ترتیبات تجارت به سوی اعضا منحرف گردد، کشورهایی که صادرکننده بوده و در خارج از این ترتیبات قرار می‌گیرند، کاهش قابل ملاحظه‌ای را در سهم صادرات خود به کشورهای عضو تجربه می‌کنند. همین انگیزه کاهش صادرات مسلماً کشورهای غیرعضو را تشویق خواهد کرد که به عضویت در این گونه ترتیبات درآیند. همین که گروه جدیدی از کشورها به ترتیبات منطقه‌ای ملحق گردیدند، کشورهای خارج مانده بیشتر احساس خطر می‌کنند و عضویت گروه جدید باعث مرحله جدیدی از عضویت دیگر کشورهای خارج مانده می‌گردد. این اثر که اصطلاحاً دومینو نامیده می‌شود در خصوص کشورهای EFTA برای الحاق به اتحادیه اروپا بسیار موثر بوده است.

۷- منطقه‌گرایی و صنایع نوزاد: منطقه‌گرایی در برخی از مواقع به عنوان عاملی برای حمایت از صنایع نوزاد محسوب می‌گردد. ترتیبات منطقه‌ای می‌توانند عاملی برای در معرض قرار گرفتن صنایع نوپا و نوزاد کشورها در مقابل رقابت‌های خارجی باشند. بخصوص اینکه این رقابت یکدفعه و در سطح جهانی صورت نگرفته و این گونه ترتیبات‌قادرند با اتخاذ سیاست‌های تجاری حمایت‌گرایانه در برابر کشورهای ثالث، صنایع نوپا را در منطقه تقویت و محافظت نمایند. این منطق در مورد اکثر ترتیبات منطقه‌ای آفریقا و آمریکای لاتین صحت داشته و جالب توجه اینکه اکثر ترتیبات منطقه‌ای که با این دید شکل گرفتند، کمترین موفقیت را کسب نمودند. به هر حال آن چه که مهم است این است که امروزه شکل‌گیری ترتیبات و تشکل‌های منطقه‌ای بسیار کم تحت تاثیر این عامل است (صباغ کرمانی، ۱۳۷۶، ص ۵۸).

بررسی حوزه‌های منطقه‌گرایی

در این بخش با توجه به اولویت‌بندی صورت گرفته توسط پژوهشگران متخصص در حوزه منطقه‌گرایی، حوزه‌ها به ترتیب بررسی خواهند شد:

منطقه‌گرایی در حوزه اقتصادی: اکثر کشورها دریافته‌اند که با ادغام حوزه‌های اقتصادی خود با حوزه‌های اقتصادی سایر کشورها و ایجاد رقابت سالم در بین آن‌ها بهتر و بیشتر می‌توانند به این هدف نائل آمده و باعث رشد و بالندگی اقتصاد و جامعه خود شوند. با تشدید وابستگی متقابل، دولت‌ها به گردونه نیروهای رقابت‌آمیز اقتصاد جهان کشیده شده‌اند. بدین ترتیب امروزه دولت‌ها دست‌اندرکار تجدید ساختار صنایع، پشتیبانی از تحقیق و توسعه در بخش‌های فناوری پیشرفته، و مقررات زدایی از بازارهای مالی شده‌اند. در ادغام نمودن اقتصاد کشورها می‌توان شرایط و پارامترهایی را در نظر گرفت که یکسان کردن و رعایت برخی نکات برای این امر ضروری است. البته چنین شرایط و پارامترهایی برای سایر حوزه‌های همگرایی منطقه‌ای نیز وجود دارند که نیاز به یکسان‌سازی آن‌ها ضروری است. جهت موفقیت منطقه‌گرایی در حوزه اقتصادی باید بحث یکسان‌سازی و آزادسازی قیمت‌ها (با در نظر گرفتن سطوح کیفی) انجام پذیرد و همچنین لازم است کشورها برنامه‌ریزی و اقدامات مشترکی را در دستور کار خود قرار دهند (مانند ایجاد شهرک‌های صنعتی مشترک در مرز مشترک دو کشور).

منطقه‌گرایی در حوزه اجتماعی: این حوزه نسبت به حوزه اقتصادی، عمومی‌تر است. حوزه اقتصادی حوزه‌ای خصوصی‌تر بود، به این معنی که این حوزه فعالیت و کنش اشخاصی را در بر می‌گرفت که در زمینه‌های اقتصادی سروکار داشتند. اما با وجود این که تشکیل دهندگان حوزه اقتصادی محدود هستند ولی تاثیرگذاری آن‌ها به سطوح داخلی جامعه و اقتصاد کشور بیشتر است. اما حوزه اجتماعی بازتر بوده و اقشار مختلف جامعه را در بر می‌گیرد. در عصر حاضر هر فردی در هر کشوری علاقمند است کشورش روابط حسنه‌ای با کشورهای دیگر داشته باشد تا بتواند به راحتی به آن کشورها سفر کنند. مایل است شهرهای کشورهای مختلف را دیده و از نزدیک با مردمان آن‌ها صحبت نموده و معاشرت نماید و با فرهنگ‌ها و آداب و رسوم آن‌ها آشنا شده و از عقاید و باورهای آن‌ها باخبر شود. چنین درخواست‌ها، آرزوها و علاقه‌مندی‌هایی، زمانی به حقیقت خواهد پیوست که حصار سخت مرزهای

سیاسی در هم شکسته و دولت‌ها رو به همکاری و همگرایی بیاورند و وجود اقوام مختلف با فرهنگ‌ها، گویش‌ها و مذاهب گوناگون نمی‌تواند مانعی جدی و غیرقابل حل در مسیر همگرایی باشد. یکسان سازی زبان و گویش، غلبه بر احساسات منفی حاکمان و مردمان برخی کشورها نسبت به یکدیگر (خصوصاً در منطقه خاورمیانه) و برگزاری مسابقات ورزشی دوره‌ای منطقه‌ای از عوامل موثر در تسهیل منطقه‌گرایی اجتماعی است (طالعی نیارق، ۱۳۸۹، ص ۹۷).

منطقه‌گرایی در حوزه فرهنگی: الوین تافلر از جهانی شدن یاد می‌کند که در آن ضرورت همراهی و سازگاری با فرایندهای ناشی از برخورد امواج تاریخ به نوعی وابستگی و همبستگی متقابل و کمرنگ شدن مرزهای سیاسی و فراگیر شدن ارزش‌های فرهنگی می‌انجامد. در سال‌های اخیر به دلیل سرعت فزاینده تغییرات دانش و فن، جهانی شدن شتاب ناگهانی به خود گرفته است. در چنین فضایی، دیگر حکومت‌ها قادر نیستند بر روی آنچه در درون حاکمیتشان می‌گذرد و حتی آنچه در خلوت خود می‌گویند و انجام می‌دهند سرپوش بگذارند. با این اوصاف می‌توان از طریق گفتگو و مذاکره و در قالب تفاهم نامه‌ها و قراردادهای همکاری‌های منطقه‌ای و جهانی؛ جنگ و خشونت را در روابط میان ملت‌ها حذف کرده، همبستگی‌های اجتماعی را گسترش داده و فرهنگ‌ها و تمدن‌ها را از طریق گفتگو و مذاکره به یکدیگر نزدیک کرد. طبیعی است که با گسترش این پیوندها، دامنه تهدیدات امنیتی متقابل میان کشورهای عضو به تدریج محو می‌شود و کشورها ضمن حفظ هویت فرهنگی و اجتماعی خود، با محدود کردن حاکمیت قلمرویی نسبت به برخی مسائل مشترک، آن را به نهادی فراملی واگذار می‌کنند و در مقابل، از مواهب این پیوستگی و اتحاد بهره می‌جویند (کاظمی، ۱۳۸۰، ص ۶۳).

منطقه‌گرایی در حوزه دفاعی - امنیتی: بعد از موفقیت حاصل شده منطقه‌گرایی در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که از حساسیت سیاسی کمتری نسبت به حوزه‌های دفاعی - امنیتی و سیاسی برخوردار بودند و انسجام و همکاری‌های کافی و گسترده در این حوزه‌ها تا حدودی نسبتاً آسان و با مشکلات کمتری امکان پذیر بودند، باید به فکر پیمان نامه‌های دفاعی - امنیتی مشترک بود تا به پله‌های بالاتر منطقه‌گرایی گام نهاد. دولت‌ها از دیرباز در صدد یافتن چاره‌ای برای افزایش قدرت نظامی - دفاعی و در عین حال کاهش بودجه تخصیص یافته به آن هستند. یکی از راهکارها تشکیل اتحادیه‌های نظامی - دفاعی و پیمان نامه‌های دفاعی مشترک است. در این حالت هر چه تعداد کشورهای عضو بیشتر باشد، بودجه تخصیصی و سهم نیروهای متعلق به هر کشور کمتر، و در مقابل و در مجموع کل نیروهای ارتش تشکیل یافته بیشتر و توان دفاعی - نظامی آن بالاتر خواهد بود. بنابراین تعلق در نیل به این هدف به معنی هدر دادن بخش عظیمی از بودجه کشور و نیز هدر دادن نیروی انسانی و انرژی کار قابل ملاحظه‌ای را شامل می‌شود.

منطقه‌گرایی در حوزه سیاسی: این حوزه که دارای حساسیت بالایی است، مربوط به قلمرو قدرت و بوروکراسی دولت‌ها می‌باشد. در امر همگرایی، دولت‌های همگرا باید مقداری از قدرت و اراده تصمیم‌گیری خود را به نهاد

مرکزی مشترکی واگذار نمایند. اما اگر گفته می‌شد با این عمل قدرت دولت‌ها ارتقا می‌یابد، دولتمردان با اشتیاق و رغبت بیشتری دست به عمل همگرایی می‌زدند (طالعی نیارق، ۱۳۸۹، ص ۹۸).

نتیجه‌گیری

جهانی شدن و تشدید روند آن پس از جنگ سرد، کشورها را برای همسو شدن با فرایند جهانی شدن به سمت اتحادیه‌های منطقه‌ای در چارچوب همگرایی سازنده با دیگر کشورها در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی سوق داده است و تلاش کشورها به منظور حفظ و گسترش حوزه نفوذ خود در تعاملات بین‌المللی از علل اصلی گرایش آنها به همگرایی منطقه‌ای است.

منطقه‌گرایی و جهانی شدن دو فرایندی هستند که یکدیگر را تقویت می‌کنند؛ در واقع منطقه‌گرایی پیش زمینه جهانی شدن می‌باشد. فرایند جهانی شدن برای بسیاری از کشورها نگرانی‌های زیادی را به وجود آورده؛ زیرا جهانی شدن از حیث محتوایی به طور ضمنی بازگویی نوعی اجبار برای تحمیل تبعیض‌ها و نابرابری‌هایی است که در سرشت مناسبات بین‌المللی در جهان معاصر وجود دارد. در نتیجه کشورهای جهان، که به تنهایی همه عوامل تولید را در اختیار ندارند، به منظور دستیابی به آرمان‌هایی که بدون مساعدت جمعی امکان پذیر نیست، و از ترس این که مبادا در عرصه جهانی شدن در حاشیه قرار بگیرند و به یک کشور پیرامونی تبدیل شوند، باید تلاش کنند با منطقه‌گرایی و تشکیل سازمان‌های منطقه‌ای و همکاری‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی؛ و فرهنگی ضریب ایمنی خود را افزایش داده و موجب رونق اقتصادی خود در یک منطقه جغرافیایی شوند و در نهایت با این روند بر چالش‌های موجود غلبه کنند. در واقع همکاری‌های منطقه‌ای باعث ایجاد ساختار ارتباطات امنیتی بین کشورها می‌شوند که زمینه کاهش تنش‌ها و سوتفاهمات را فراهم می‌نماید (Haider, 1999, p4). بسیاری از اندیشمندان روابط بین‌الملل، روی آوردن کشورها به منطقه‌گرایی را عاملی برای مواجهه با تهدیدات و معضلات جهانی شدن می‌دانند.

در نتیجه جهانی شدن و منطقه‌گرایی نه انحصاری‌اند و نه آلترناتیو، بلکه ضرورت‌های زمان حاضرند. منطقه‌گرایی پایان و هدف نیست؛ جواب همه مشکلات هم نیست، بلکه به منزله یکی از راه‌هایی است که می‌تواند منافع کشورهای عضو را در دنیای دائماً در حال تغییر حفظ کند. ترویج نتایج حاصل از منطقه‌گرایی که سبب توسعه اقتصادی برخی از کشورهای جهان شده است، می‌تواند در رشد تفکرات منطقه‌گرایی در میان اندیشمندان و سیاستگذاران کشورها (خصوصاً کشورهای در حال توسعه) موثر باشد. در خصوص کشورهای در حال توسعه، فرایند همگرایی توان بالقوه ایجاد منافع کلان را دارد، اما وصول این دستاوردهای بالقوه مستلزم مدیریت کارآمد این فرایند چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی، جهت کاهش هزینه‌های سازگاری و اجتماعی سیاست‌های معطوف به همگرایی منسجم‌تر در اقتصاد جهانی است.

منابع

امام زاده فر، پرویز (۱۳۷۹). آثار جهانی شدن در خاورمیانه، نشریه اطلاعات، ۷۹/۷/۱۷.
کاظمی، علی اصغر (۱۳۸۰). جهانی شدن فرهنگ و سیاست (نقد و تحلیل نظری، معرفت‌شناختی)، جلد اول، تهران، نشر قومس.

- کامران، حسن ویدالله کریمی‌پور (۱۳۸۱). جهانی شدن، منطقه‌گرایی و دولت - ملت‌ها، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۲، ص ۳۹-۴۷.
- موسوی، سید محمد علی (۱۳۸۸). جهانی شدن و منطقه‌گرایی: انفکاک یا هم‌گرایی، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، شماره سوم، ص ۱۳۸-۱۱۹.
- میرمحمد، مرتضی (۱۳۷۶). نقش سازمان‌های منطقه‌ای در حفظ صلح در دوره پس از جنگ سرد، انتشارات وزارت امور خارجه.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۸۸). تحول در نظریه‌های منطقه‌گرایی، مجله مطالعات اوراسیای مرکزی، ویژه همایش مطالعات منطقه‌ای، سال دوم، شماره ۵، ص ۹۹-۱۱۶.
- سلطانی، علی رضا (۱۳۸۰). منطقه‌گرایی و تبیین روابط بین‌المللی، نشریه راهبرد، شماره ۲۲، ص ۲۸۷-۳۰۱.
- کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۰). نظریه همگرایی در روابط بین‌الملل (تجربه جهان سوم)، نشر قومس تهران.
- وثوقی، سعید و یونس کمائی زاده (۱۳۸۹). هم‌گرایی نوین منطقه‌ای در دوران جهانی شدن، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی.
- طالعی نیارق، علی اکبر (۱۳۸۹). نقش ایران در منطقه‌گرایی و ایجاد ثبات در منطقه خاورمیانه، پایان‌نامه با راهنمایی دکتر سید علی اصغر کاظمی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علوم و تحقیقات تهران.
- صباغ کرمانی، مجید (۱۳۸۰). اقتصاد منطقه‌ای (تئوری و مدل‌ها)، انتشارات سمت.
- مالکوم، واترز (۱۳۷۹). جهانی شدن، ترجمه اسماعیل مردانی و سیاوش مریدی، سازمان مدیریت صنعتی.
- Europa. [eu/index_en. htm](http://europa.eu/index_en.htm), تاریخ مشاهده ۹۳/۴/۱.
- Haider, S. M (1999). Regional Cooperation for peace and development, north American Journal.
- Kikuchi, Tsutomu (1997). Intraregional cooperation and Interregional Competition in the age of globalization, Japan review of institute of international affairs.